

• دریافت ۹۵/۷/۲۶

• تأیید ۹۶/۷/۱۶

بررسی ویژگی‌های افعال تکرار شده در اشعار رمانتیک و رنالیست عبدالوهاب بیاتی

ابوالحسن امین مقدسی*

محمد سالمی**

چکیده

آرایه تکرار به دلیل وظیفه بیانی و معنایی، که در اشعار معاصر ایفا می‌کند، بسیار مورد توجه شاعران و ناقدان قرار گرفته و به یکی از عناصر اصلی قصاید آنها تبدیل شده است. از سوی دیگر، بسیاری از شاعران عرب در دوره معاصر، متناسب با حوادث اجتماعی و فرهنگی عصر خود، به مکاتیب ادبی همچون رمانتیسیم و رنالیسم روی آورده‌اند و با تأثیرپذیری از آنها به سرودن قصاید خود در موضوعات مختلف و مضامینی متناسب با خصوصیات این مکاتب پرداخته‌اند. به همین دلیل، برای فهم قصاید بسیاری از آنها لازم می‌آید ابتدا به بررسی ویژگی‌ها، میزان و چگونگی تأثیر این مکاتب بر عناصر تشکیل دهنده قصاید آنها بپردازیم. از جمله این شاعران، عبدالوهاب بیاتی شاعر عراقی است که به این مکاتب روی نهاده و بسیاری از قصاید خود را با تأثیرپذیری از آنها سروده است. بنابراین، در این مقاله نویسندگان می‌کوشند با روش توصیفی-تحلیلی و آماری به بررسی ویژگی‌های افعال تکرار شده در این سروده‌ها، از عناصر شاخص جنبه‌های لفظی و معنایی، و مطابقت آنها با ویژگی‌های دو مکتب یاد شده، ضمن تحلیل و بیان چگونگی تأثیر این دو مکتب بر شاعر و مضمون قصاید او، بپردازند تا چگونگی تأثیر آنها بر جنبه لفظی این قصاید را نیز نمایان سازند.

واژگان کلیدی: تکرار، رمانتیسیم، رنالیسم، عبدالوهاب البیاتی، شعر معاصر عربی، فعل.

abamin@ut.ac.ir

md.salem@ut.ac.ir

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران.

مقدمه

تکرار به‌علت قابلیت‌های بیانی و زبان‌شناختی خود نه تنها به شاعر کمک می‌کند که متن شعری خود را به درجه‌ی اصالت نزدیک سازد، بلکه می‌تواند چراغ راهی باشد در دست ناقد ادبی تا با آن به کنه وجود نویسنده و شاعر نفوذ کند و جنبه‌ی معنایی و لفظی شعر او را نقد و بررسی کند. به‌همین دلیل، در رابطه با این آرایه مطالب بسیاری در کتاب‌های نقدی و بلاغی نگاشته شده است و بسیاری از بلاغیون و ارباب نقد از قدیم به شرح و توضیح آن، بیان اغراض و کاربرد آن نزد شاعر و نویسنده مبادرت ورزیده‌اند، اما نکته‌ی حائز اهمیت اینکه در اغلب این کتاب‌ها بیان نشده است که این آرایه نزد خواننده و ناقدان آثار این شاعران و نویسندگان چگونه متجلی می‌شود و چگونه می‌تواند ابزاری در دست ناقدان ادبی باشد تا با آن به بررسی شعر شاعری خاص بپردازند. بنابراین، در این جستار سعی کرده‌ایم تا با به‌کارگیری این آرایه به‌عنوان ابزاری برای بررسی جنبه‌ای از جنبه‌های شعری یکی از شاعران معاصر، پاسخی برای این سؤال بیابیم. در این میان، عبدالوهاب البیاتی، شاعر عراقی، به‌دلیل به‌کارگیری این آرایه در بسامد بالا و انواع مختلف آن می‌تواند نمونه‌ی مناسبی برای این امر باشد. از مهم‌ترین جنبه‌های شعری این شاعر می‌توان به تأثیرپذیری وی از دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم اشاره کرد. مکاتب غربی همچون رمانتیسم و رئالیسم به‌علت نقش تأثیرگذاری که بر ادبیات جهان از جمله ادبیات معاصر عربی داشته‌اند، در نقد و مطالعات ادبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. به‌طوری‌که برای فهم قصاید بسیاری از پیروان این مکاتب لازم است ابتدا به بررسی تأثیرات این مکاتب بر این قصاید و عناصر تشکیل‌دهنده آنها بپردازیم. از جمله این عناصر افعال است که به‌علت نقش کلیدی خود بر بُعد معنایی و لفظی قصیده معاصر جایگاه مهمی را در سیاق کلی آن به خود اختصاص داده است. به‌این ترتیب، بر آن شدیم تا با استفاده از آرایه مذکور، چگونگی تأثیر دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم را بر افعال، به‌عنوان بُعدی از ابعاد لفظی شعر

بیاتی، بررسی کنیم و تفاوت آنها را در دوره رمانتیک و رئالیسم نشان دهیم. همچنین، علاوه بر نشان دادن کاربرد آرایه تکرار، پاسخی برای این سؤال بیابیم که دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم چگونه و تا چه حد بر اشعار بیاتی تأثیرگذار بوده است؟ در نتیجه می‌توان اهمیت این جستار را در دو هدف کلی زیر جست‌وجو کرد:

۱. آشکار کردن فایده تکرار به‌عنوان ابزاری کاربردی برای بررسی آثار شاعران و نویسندگان معاصر به‌شکلی عملی.

۲. بیان نحوه و میزان تأثیرگذاری دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم بر جنبه لفظی و معنایی قصاید بیاتی از طریق بررسی افعال تکرار شده، به‌عنوان بعدی از ابعاد لفظی، و تحلیل قصایدی که افعال در آنها تکرار شده‌اند از لحاظ معنا و مضمون.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، پس از معرفی آرایه تکرار به‌لحاظ لغوی و اصطلاحی، سعی کرده‌ایم، با توجه به خصوصیات دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم، ویژگی‌هایی برای افعال تعریف کنیم و با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها به شیوه تحلیلی - توصیفی به بررسی افعال در قالب چهار قسم رمانتیک ذهنی و درونی، رمانتیک عینی، رئالیسم درونی و رئالیسم عینی و نیز تحلیل قصایدی که این افعال در آنها تکرار شده است، بپردازیم. در پایان با تهیه جدولی از افعال تکرار شده و ویژگی آنها در دو دوره رمانتیک و رئالیست، به شیوه تحلیلی - آماری، چگونگی و میزان تأثیرگذاری این دو مکتب را بر افعال تکرار شده شاعر بررسی کرده‌ایم. شایان ذکر است که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث فقط به شرح و توضیح نمونه‌هایی از قصاید کل دیوان پرداخته‌ایم، اما جدول مذکور شامل تمام نسبت‌های افعال تکرار شده در دیوان شاعر است.

پیشینه تحقیق

همان‌طور که بیان شد، موضوع تکرار را می‌توان به فراوانی در کتاب‌های بلاغی قدیم و نیز

کتاب‌های نقدی جدید یافت که در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از این آثار اکتفا می‌شود. از کتاب‌های نقدی و بلاغی قدیم می‌توان به کتاب البیان والتبیین اثر جاحظ اشاره کرد که نویسنده در آن فقط به نقل احادیثی راجع به مکان مناسب کاربرد تکرار و نیز کراهیت آن می‌پردازد. از دیگر کتاب‌های قدیمی فروق في اللغة اثر أبوهلال عسکری است که نویسنده فصلی را به بیان فرق میان تکرار و ذکر دوباره کلام اختصاص می‌دهد. نکته حائز اهمیت در این کتاب‌ها و دیگر کتاب‌های بلاغی قدیم این است که هیچ‌کدام تکرار را به صورت گسترده در شعر شاعری خاص بررسی نکرده‌اند و فقط به شرح اصطلاح تکرار و بیان شواهدی برای آن در حد یک یا دو بیت اکتفا کرده‌اند. این امر معلول کاربرد نادر این آرایه در شعر قدیم نسبت به شعر معاصر است. به طوری که این پدیده ادبی در دوره جدید به یک اسلوب و شیوه هنری و فنی تبدیل می‌شود که با سیاق و فضای کلی قصیده عربی در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌گیرد و شیوه‌ای از شیوه‌های تجدید و نوآوری به‌شمار می‌رود. از این رو، بسیاری از ناقدان بخش مستقلی را در کتاب‌های خود به آن اختصاص می‌دهند، چه بسا آثاری به صورت مستقل در رابطه با آن نوشته شده است که ذکر همه آنها در حوصله این بحث نمی‌گنجد. از آن جمله می‌توان به قضایا الشعر العربي المعاصر نوشته نازک الملائكة اشاره کرد که نویسنده بخشی از کتاب خود را به تعریف و بیان کاربرد تکرار و تقسیم‌بندی آن اختصاص می‌دهد. التکرار بین الأصالة والمعاصرة نوشته فیصل الحولی رساله‌ای جامع در مورد تکرار است و نویسنده در آن نظرات ناقدان قدیم و معاصر را در رابطه با این موضوع بررسی کرده است. همچنین، می‌توان به پایان‌نامه عبدالقادر علی زروقی با عنوان «اسالیب التکرار في شعر محمود درویش» اشاره کرد که نویسنده، علاوه بر بررسی مطالعات نقدی جدید در رابطه با اسلوب تکرار در شعر معاصر عرب، روش‌های تکرار در شعر محمود درویش را به صورت توصیفی بررسی می‌کند.

از جمله مقالاتی که در این رابطه نوشته شده است می‌توان به «کارکرد لفظی و معنوی تکرار در شعر احمد مطر و عمران صلاحی» نوشته فرهاد رجبی، «بلاغت

تکرار در قرآن و شعر قدیم عربی (جاهلی) « نوشته مهدی خرمی، «بلاغت اسلوب تکرار در مضامین طنز جواهری و تحلیل معانی ثانویه آن» نوشته رضا رضایی و «دراسة حول ظاهرة التكرار من خلال آراء ابن رشيق النقدية في كتابه العمدة» نوشته سیدرضا سلیمان‌زاده نجفی اشاره کرد. در موضوع مکاتب نیز نوشته‌های فراوانی در دست است، از آن جمله می‌توان به کتاب تخیل رماتیک نوشته موریس باوره، رئالیسم نوشته دیمیان گرانت، مکاتب ادبی نوشته رضا سیدحسینی و رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات نوشته دکتر میترا اشاره کرد.

تکرار

از لحاظ لغوی، فرهنگ وسیط تکرار را به معنای بازگشت و اعاده دوباره می‌داند: «(کز، یکر، کزا) الشئ: آن چیز را بازگردانید. کز اللیل والنهار: شب و روز آمدند و رفتند و تکرار شدند. کز علیه الحدیث: سخن را برای او تکرار کرد. (کزر، یکر، یکر، یکر) و تکراراً) الشئ: آن چیز را تکرار کرد. (تکرز، یتکرز تکرراً) علیه کذا: چیزی بر او تکرار شد، برای او تکرار شد. (الکر): برگشتن، بازگشتن: ضد الفز: گریختن [و کز و فر نیز از همین لفظ است و به معنای گریختن و دوباره حمله کردن و بالعکس است» (بندرریگی، ۱۳۸۹: ۱۶۶۹). در تعریف اصطلاحی آرایه تکرار باید گفت که همه بلاغیون قدیم تقریباً با هم اتفاق نظر داشتند، به این معنا که ابن اثیر در المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر تکرار را دلالت لفظ بر معنا به صورت چند باره و متکرر می‌داند (ابن الأثیر، د.ت: ۳). ابن فارس در کتاب الصحاح فی فقه اللغة تکرار را یکی از شیوه‌های بلاغی عرب برمی‌شمرد که وظیفه آن روشنی و تقریر معناست (ابن فارس، د.ت: ۲۱۳). ابن رشیق نیز در کتاب العمده به تعریفی که بلاغیون قدیم از تکرار به دست می‌دهند متقید می‌شود و آن را ذکر چند باره کلمه برای بیان غرضی همچون تأکید یا تشویق ... می‌داند (ابن رشیق، ۱۴۰۱: ۷۳). این

آرایه ادبی در دوره جدید به اسلوب و شیوه‌ای هنری و فنی بدل می‌شود که با سیاق و فضای کلی قصیده عربی در ارتباط تنگاتنگ است و از شیوه‌های تجدید و نوآوری به‌شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که «این اسلوب شامل تمام ظرفیت‌های معنایی می‌شود که اسلوب‌های دیگر در بردارند و همان‌گونه که در شعر می‌تواند معنا را غنا بخشد و به مرحله اصالت برساند، در زبان گفتاری نیز می‌تواند چنین وظیفه‌ای را ایفا کند به‌شرطی که شاعر بتواند بر آن تسلط تام داشته باشد، در غیر این صورت به یک آرایه سطحی بدل گشته و شعر را به ابتذال می‌کشاند. با وجود این، قاعده اساسی این است که ارتباط محکمی با معنای کلی قصیده داشته باشد، در غیر این صورت به امر سطحی و متکلفانه‌ای تبدیل می‌شود که راهی برای پذیرفتن آن نیست» (نازک الملائکه، ۱۹۶۷: ۲۳۱). در نتیجه، دیگر نباید «تکرار را بیان لفظ به‌صورت پراکنده یا متصل به معنای قصیده دانست، بلکه باید آن را اسلوبی تلقی کرد که ارتباط بسیار نزدیک با معنای کلی قصیده دارد و از این حیث آن را بحث و بررسی کرد» (موسی ربابعة، ۱۹۸۸: ۱۵). البته وظیفه تکرار فقط در این امر خلاصه نمی‌شود و شاعر می‌تواند با تکرار برخی کلمات نه تنها تأثیرات دلالی و معنایی متن را بیش‌تر کند بلکه به بازآفرینی تصاویر سابق و خلق شده قبلی نیز پردازد. علاوه بر این وظایف معنایی که در متن برعهده می‌گیرد، از لحاظ موسیقایی نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد، به‌طوری که می‌توان آن را «پی‌در پی آمدن و تکرار الفاظ در ساختار بیانی دانست که باعث ایجاد نوعی ریتم آهنگین در کلام می‌شود که نه تنها به تقویت جنبه آهنگین و موسیقایی ساختار شعری و نثری منجر می‌شود که تصاویر و معانی تفصیلی آن را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد» (هلال ماهر مهدی: ۲۳۹). به‌طور کلی باید گفت که تکرار یعنی ذکر دوباره، سه‌باره و چندباره حرف، کلمه، عبارت، مقطع و تصویری خاص با معنایی یکسان و یا متفاوت برای رساندن مقصود و مفهومی خاص که با سیاق و ساختار کلی کلام ارتباط و تعامل تنگاتنگی داشته باشد.

ویژگی‌های افعال مکتب رمانتیک

با توجه به اینکه بحث اصلی این مقال در رابطه با تأثیر دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم در زمینه تکرار افعال است، لازم آمد، با در نظر گرفتن ویژگی‌های این دو مکتب، ویژگی‌هایی را برای این افعال برشمردیم، به طوری که با ساختار و سیاق نوشته‌ها هم‌خوانی و هماهنگی داشته باشد.

۱. خاص بودن افعال

در مکتب رمانتیسم، فرد همواره محور و اساس اندیشه‌های شعری قرار می‌گیرد و بیان احساسات شخصی او اعم از غم و اندوه و عشق و علاقه در قالب مضامین شخصی می‌گنجد. «هنرمند رمانتیک، به دنبال آزادی از قید قواعد کلاسیک، فرمانروایی «من» را در هنر مستقر می‌سازد و به وسیله هنر خواسته‌های دل و رنج‌های روح خود را بیان می‌دارد، ولی این روش هنرمند رمانتیک را نباید دلیل خودستایی او و فرار از بشریت دانست. قبلاً هنرمند کلاسیک برای توصیف «انسان کلی» قهرمانی را از میان افسانه‌ها و اساطیر برمی‌گزید، اما هنرمند رمانتیک خویشتن را به جای این قهرمان افسانه‌ای می‌گذارد و نمونه هموعان خویش قرار می‌دهد» (سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۰). پیامد این امر بازگشت به درون و ذات خویشتن است. یعنی شاعر یا نویسنده آنچه را در وجود خود متجلی می‌شود، محور سخنان خود قرار می‌دهد. خلاصه اینکه نویسنده رمانتیک «که در مرکز عالم ایستاده است تنها آنچه را شایسته گفتن می‌داند که در وجود خود متجلی شده باشد. «من» همیشه در سروده‌های او صدرنشین است، گویی تنها اوست که درک می‌کند و دیگران قابلیت غم و شادی ندارند» (میترا، ۱۳۴۹: ۱۰۴).

با توجه به این ویژگی، غالب افعال به کار رفته در این مکتب طبیعتاً باید خاص باشد، یعنی باید مستقیماً (متکلم وحده) یا غیر مستقیم متوجه هنرمند رمانتیک باشد.

اینکه می‌گوییم غیر مستقیم بدین معناست که این فعل می‌تواند افرادی را خطاب کند که به صورتی خاص با نویسنده یا شاعر مرتبط باشند. برعکس، افعال عام می‌توانند عده‌ای از جامعه را دربرگیرند. البته گاهی، در ظاهر، خاص و، در اصل، عام است. بدین ترتیب که شاعر یک فرد را به‌طور خاص خطاب می‌کند، حال آنکه در اصل آن فرد را نماینده عده بسیاری از اجتماع می‌داند. به‌همین دلیل هرچه به او نسبت می‌دهد، به عموم افراد آن اجتماع نسبت داده است، همچون تکرار فعل «لعلی أنسی» در قصیده کیف اظیر یا تکرار فعل «أحبها» در قصیده أحيها.

۲. ذهنی بودن افعال

برخلاف مکتب کلاسیسم که بر خرد و تعقل تکیه دارد، مکتب رمانتیسم غالباً تخیل را مایه کار خود قرار داده است. این امر را می‌توان معلول عامل اول یعنی تکیه بر ذهن و درون دانست که آن نیز نتیجه فردگرایی است. به‌طوری‌که شاعر یا نویسنده رمانتیک در این عامل به دنبال آزادی از قید قواعد عقلانی کلاسیک رو به ذات خویش کرده و تخیل را به‌جای تعقل دست‌مایه کار خویش ساخته است. همان‌طور که موریس باوره بیان می‌دارد: «هنرمند رمانتیک در درون با تقابلی تردیدآمیز روبه‌روست؛ تقابل عقل و احساس با دوری از خرد به بازیابی خود بر پایه احساس روی می‌آورد و با چشم تخیل به اطراف می‌نگرد. این توجه ویژه به احساس و اعتقاد به تخیل "از اعتقاد آن دوره به ذات فرد" ناشی می‌شود» (باوره، ۱۳۹۰: ۵۶). با توجه به حاکمیت تخیل و نیز ویژگی درون‌گرایی و ذاتی‌نگری مکتب رمانتیسم، می‌توان نتیجه گرفت که غالب افعال رمانتیک ذهنی و درونی است، مانند دوست داشتن، ناراحت شدن...

۳. نوع کنش افعال

در کنار عقل، اندیشه و خیال و احساسات و عواطف نیز در نوشته‌های نویسندگان و شاعران رمانتیک به شیوه‌های مختلف متجلی می‌شود. یکی از این شیوه‌ها عشق و

دوست داشتن است. «عشق سرچشمه‌ای ابدی است که شاعر از طریق آن به حقیقت هستی پی می‌برد و حجاب تن را کنار می‌زند. به باور آنها با اکسیر عشق و آزادی است که روح شکفته می‌شود. از نگاه آنان اگر عشق نبود، شاخه‌های زندگی برهنه، بی‌برگ، بی‌ثمر و بدون لطافت و شادابی می‌مرد. عشق حالتی است که رمانتیک‌ها آگاهانه در آن به حرکت درمی‌آیند» (حاوی، ۷۱). بنابراین، عشق یکی از محورهای مکتب رمانتیسم است «که شاعر به آن پیوسته تا خلاً وجود خود را با آن پر کند و نقص‌های درونی‌اش را به‌واسطه آن برطرف کند. از این رو، به‌علت نقش محوری این موضوع در ادبیات رمانتیک آن را «قلب ادب» می‌دانند و شالوده اصلی این مکتب نام گرفته است. مبدأ آن پاکی و طهارت و احساسات آن آسمانی است» (الایوبی، ۱۹۸۴: ۹۰). یکی دیگر از انواع احساسات، که در مکتب رمانتیسم با آن روبه‌رو می‌شویم، احساس غم و اندوهی است که هنرمند رمانتیک در اثر ناکامی‌ها و شکست‌هایی که در رسیدن به آرزوهای خود، همچنین نامالایمات و دشواری‌های جامعه متحمل می‌گردد، بدان دچار می‌شود. به عبارت دیگر، این غم و اندوه را می‌توان «زاییده توفعات تسکین‌ناپذیر قلبی دانست که در جهانی بی‌احساس گرفتار شده است و مثل دردی پنهان پیوسته در اشعار آنها طنین‌انداز می‌شود» (اشرف‌زاده، ۲۲۴). با توجه به حاکمیت عواطف و عشق و اندوه در مکتب رمانتیسم باید گفت که غالب افعال تکرار شده در این مکتب یا غیرکنشی است و یا دارای کنشی رمانتیکی و احساسی، برعکس کنش‌های رئالیستی که غالباً کنش‌هایی با شدت بالا و مربوط به جامعه است، مانند «دوست داشتن» که درونی و غیرکنشی است و یا «گریه کردن به سبب عشق» که کنشی احساساتی و رمانتیکی است.

۴. مکان افعال

بازگشت به طبیعت از دیگر ویژگی‌های مکتب رمانتیسم است. شاعر رمانتیک برای

تسکین دردها و غصه‌های خود به طبیعت روی می‌آورد و عواطف و احساسات خود را برای آن بازگو می‌کند. «شاعر رمانتیک طبیعت را پاک، بی‌ریا و خالی از کینه و تزویر می‌بیند، وی خود را در دامن طبیعت خشنود می‌یابد و معتقد است که طبیعت او را دوست دارد و وی را فرامی‌خواند. او در طبیعت هم‌صحبتی خواهد یافت که در جامعه نمی‌تواند بیابد» (مندور، ۱۹۹۵: ۱۰۳). بنابراین، «طبیعت و پدیده‌های زیبای آن مانند کوه‌های بلند، آسمان آبی، دریاچه‌ها، جنگل‌ها، گل‌ها، شب و روز و... به موضوعات مهمی در آثار رمانتیک‌ها بدل گردید. آنها این پدیده‌های طبیعی را در آثار خود به شکلی زیبا و خیال‌انگیز توصیف کردند، به گونه‌ای که آرامش روح و روان خود را در طبیعت پاک و زندگی ساده انسانی یافتند» (ترحینی، ۱۹۹۵: ۱۳). با توجه به ویژگی‌های پیشین، همچون درون‌بینی و ذاتی‌نگری و عشق و احساسات، مکان وقوع افعال می‌تواند درونی و ذاتی باشد، مثل ترسیدن، کفر ورزیدن، دوست داشتن. با توجه به ویژگی بازگشت به طبیعت، مکان بروز و انجام این افعال می‌تواند بستر طبیعت باشد. با وجود این، عادتاً مکان در این مکتب موردنظر نیست. به همین دلیل ممکن است در بسیاری از افعال مکانی مشخص و معین نباشد، بدین ترتیب لامکانیت در آنها حاکم است.

ویژگی‌های افعال رئالیستی

کشف و بیان واقعیت در آثار رئالیستی محور اساسی این مکتب به‌شمار می‌رود، طوری که عامل ایجاد ویژگی‌های دیگری در این مکتب شده است. با توجه به این ویژگی و ویژگی‌های ناشی از آن به بیان ویژگی‌هایی برای افعال رئالیستی پرداخته می‌شود:

۱. عام بودن افعال

آثار رئالیستی معمولاً باید مسائل مهمی را که در جامعه جنبه عام دارند، موضوع اصلی بحث خود قرار دهند. به طوری که این امر به یکی از مهم‌ترین اصولی تبدیل شده که

«تکامل رئالیسم بدان وابسته است. نویسنده رئالیسم همیشه خود را با مسائلی مشغول می‌دارد که مبتلا به عموم و به اصطلاح طرح زمانه محسوب می‌شود» (میترا، ۱۳۴۹: ۳۹). برعکس آثار رمانتیکی که فردیت و فردگرایی را اساس موضوعات خود قرار می‌دهند، رئالیسم به‌جای فرد بر اجتماع متمرکز می‌شود. به‌همین دلیل «مهم‌ترین ویژگی آثار رئالیستی آن است که انسان را موجودی اجتماعی مطرح می‌کند و ریشه همه رفتارهای نیک و بد او را در اجتماع جست‌وجو می‌کند. قهرمان رمان‌های رئالیستی غالباً از طبقه متوسط اجتماع برگزیده می‌شدند که نماینده هم‌نوعان و هم‌فکران خود بودند» (نوری، ۱۳۸۵: ۲۰۶). در نتیجه، هنگامی که نویسنده یا شاعر رئالیستی شخصیت خاصی را در اثر خود به‌کار می‌گیرد، نباید به این شخصیت از جنبه فردی توجه شود، بلکه باید از این لحاظ که نماینده طبقه خود است، به‌کار برده شود. برخلاف افعال رمانتیکی که با توجه به فردگرایی خاص است، افعال این مکتب به‌علت تمرکز بر اجتماع و بیان مسائل مهم و عمومی آن عادتاً معنای عام و جهان‌شمول را در خود جای می‌دهد. البته گاهی افعال در این مکتب معنای خاصی به خود می‌گیرد و به شخص خاصی نسبت داده می‌شود. در این موارد، به‌علت اینکه این افراد نماینده طبقه و عده بسیاری هستند و به‌گونه‌ای معنای نمونه و تبیینی به خود می‌گیرند، این افعال در ظاهر خاص، اما در معنا عام است و همه افراد این طبقه را دربرمی‌گیرد.

۲. عینی بودن افعال

پذیرفتن واقعیت به عنوان هدف اساسی مکتب رئالیسم باعث شده است تا به‌مرور زمان تخیل، مهم‌ترین ویژگی رمانتیسم، نزد رئالیست‌ها با تردید و سؤال بزرگی روبه‌رو شود، بدین ترتیب در آثار رئالیستی کاملاً از درجه اعتبار ساقط شود. سخن زولا در این باره می‌تواند بهترین گواه باشد: «من به این بی‌ارزشی تخیل واقعاً معتقدم، چون همین را ویژگی اساسی رمان جدید می‌دانم... تخیل زمانی کارکردی داشته است، اما

این زمانی بود که رمان فقط برای تفریح و سرگرمی بود. ولی اکنون با رمان ناتورالیستی، رمان مشاهده و تحلیل، اوضاع فرق کرده است. همه تلاش نویسندگان جایگزین کردن واقعیت به جای تخیل است» (گران، ۱۳۵۷: ۴۳). با توجه به اینکه رئالیسم بر واقعیت اجتماع مبتنی است و اجتماع همواره در خارج از ذات نویسنده یا شاعر شکل می‌گیرد و نویسنده یا شاعر رئالیست به‌عنوان بیننده‌ای به وصف واقعیت‌های این اجتماع می‌پردازد، همچنین، با در نظر گرفتن ویژگی عینیت، می‌توان گفت که غالب افعال رئالیسم عینی در مقابل افعال ذهنی و درونی است.

۳. کنش رئالیستی افعال

به‌علت تمرکز بر اجتماع و ترسیم واقعیت‌های اساسی آن، نوع کنش غالب افعال نیز اجتماعی خواهد بود و با پدیده‌های اجتماعی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی خواهد داشت.

۴. مکان بروز افعال

با توجه به ویژگی‌های پیشین که همگی بر بیان واقعیت‌های اجتماعی مبتنی بودند، می‌توان گفت که مکان وقوع و انجام غالب افعال نیز بطن جامعه است. البته این جامعه به نسبت بیان شاعر یا نویسنده می‌تواند متفاوت باشد، به طوری که گاهی شاعر به بیان واقعیت‌های جامعه و وطن خود می‌پردازد و گاهی به بیان واقعیت‌های انسانی و جهان شمول که در این صورت کل جامعه بشری را مورد خطاب قرار می‌دهد. البته گاهی واقعیت‌هایی را از چند کشور مختلف بدون تعیین و تشخیص بررسی می‌کند که ما در این مبحث بر مواردی این‌گونه عنوان «لامکان» را اطلاق می‌کنیم.

افعال ذهنی رمانتیسم

۱. تکرار فعل «غَزَّرَ یا بَوَّسَ اللَّیالی - بنا» در قصیدهٔ مقابر الربیع

لَاشئُ تَحْتَ الشَّمسِ، حَتَّى السَّنَا / غَزَّرَ- یا بَوَّسَ اللَّیالی - بنا

إِلَّا بَقایا حُلْمٍ كاذِبٍ / غَزَّرَ - یا بَوَّسَ اللَّیالی - بنا

در این دو بیت از قصیدهٔ مقابر الربیع شاعر فعل «غَزَّرَ» را دو بار در ابتدا و انتهای قصیده تکرار کرده است. غرض از این تکرار ابراز دردمندی و شکوه و شکایت شاعر از عشق ازدست‌رفته است. همچنین، شاعر این فعل را با دو تصویر متفاوت تکرار کرده است، به‌گونه‌ای که ابتدا بیان می‌دارد هیچ چیز و حتی نور خورشید باقی نمانده است، سپس با ذکر این فعل، که بر فریب دادن دلالت دارد، از این وضعیت گله و شکایت می‌کند. در ادامه، با تشبیه عشق خود به بوستان ناشناخته، که ابر مجهول و ناشناخته‌ای بر آن باریدن گرفته، شکوهٔ خود را این‌گونه بیان می‌دارد که هیچ چیز در این بوستان باقی نمانده، مگر بقایای آرزویی کاذب که ما را فریفته است.

ویژگی‌های رمانتیکی فعل: از ویژگی‌های رمانتیکی این فعل می‌توان به ذهنی‌بودن و خاص‌بودن فعل همراه با محوریت شاعر در کل قصیده و فعل اشاره کرد، به‌طوری‌که شاعر قصیده را در وصف عشق ازدست‌رفته‌اش سروده است. همچنین، موردنظر نبودن مکانی معین برای فعل و کنش رمانتیکی آن، یعنی فریفتن در عشق، از دیگر ویژگی‌های آن است.

۲. تکرار افعال «لأنسی» و «أخاف» و «ألا تسمعون» در قصیدهٔ غرام قدیم

ألا تسمعون بقایا النشیدِ / یَموتُ علی شَفَتی الظامِئَةِ / لَقَدْ أَطْفَأَ الحَبُّ مِصباحَهُ / و لم تَبَقَ فی قَلْبِهِ باقیةٌ

ألا تسمعون؟ ألا تسمعون / علی شَفَیةٍ لم تَعُدْ قادِرَةً / علی شَفَیةٍ أَحرقَتْها الكوؤُسُ / علی شَفَیةٍ لم تَعُدْ قادِرَةً

.....
 و أغفو لأنسى هواك القديم / و إذ أنت في غفوتي تسهرين

.....
 و أمضى لأنسى هواك اللجوج / فأكتم في الصحو أنفاسيه / أخاف! أخاف خيالاً
 يلوح / خيالاً ليقتلني ثانية

.....
 و أمضي إليك مع السائرين / لأنسى جراحي، لأنسى الهوان / لأنسى مواعيدك
 الكاذبات / لأنسى مكاني، لأنسى الزمان / ولكنني في طريقى إليك / أحس بصوت
 يفيض حنان: / ستوصد دونك باب الهوى / لتقضي شريداً، وحيداً مهان / ولكنني عند
 ذلك الجماد / أخاف! أخاف من العاقبة.

در این قصیده، شاعر با مخاطب قرار دادن معشوق به بیان و شرح مشکلاتی که عشق به او برایش دامن زده به گله و شکایت از این عشق می‌پردازد. به‌طوری‌که با تکرار ۳ فعل (الأتسمعين، أخاف، لأنسى) در این قصیده روبه‌رو هستیم که فعل اول «الأتسمعين» سه بار در مقام توبیخ و تنبیه معشوق، به‌خاطر مشکلاتی که عشق به او برایش به‌وجود آورده، تکرار می‌شود. همچنین، فعل دوم با غرض تأکید و فعل سوم با هدف القای معنای جدید و توسع معنا با هدف برشمردن مشکلات متعدد چندین بار تکرار می‌شود.

ویژگی‌های رمانتیکی این افعال؛ (الأتسمعين): عینی، بیرونی و خاص بودن فعل، محوریت شاعر به‌طوری‌که این فعل به‌صورتی غیر مستقیم شاعر و عشق او را مورد توجه قرار می‌دهد، مکان موردنظر نیست (لامکانیت)، غیر کنشی بودن فعل. (أخاف): ذهنی، درونی و خاص بودن فعل، محوریت شاعر، مکان درونی، کنش احساسی (ترسیدن از عاقبت عشق و ترسیدن از خیال معشوق)، (أنسى): ذهنی، درونی و خاص بودن فعل، محوریت شاعر، کنش احساسی (از یاد بردن مشکلات عشق).

۳. تکرار فعل «لعلی أنسی» در قصیده کیف اَطیر

هُبُوباً هُبُوباً لَعْلَى أَطِيرُ / لَعْلَى أَنْسَى هَوَاهَا الْمَرِيرُ / لَعْلَى أَنْسَى صَبَاحَ الْهَمَى / وَ خُضِرَ الْعَيْونِ وَ لَيْلَ الْقُبُورِ / لَعْلَى أَنْسَى زَمَانِي الشَّقَى / وَ يَبْرَحُ رُوحِي مَكَانِي الْوَعِيرِ.

در این قصیده شاعر به دردمندی از عشق تلخ و شقاوت گردون دون می‌پردازد و بیان می‌دارد که ای کاش عشق خود را به فراموشی می‌سپرد و این زمانه بد خود را فراموش می‌کرد. شاعر با تکرار فعل «لعلی أنسی» آرزو می‌کند که از بند این عشق رهایی یابد. در نتیجه، غرض از این تکرار ابراز دردمندی و حسرت شاعر از عشق و زندگی تلخ است.

ویژگی‌های رمانتیکی فعل: ذهنی و خاص بودن فعل همراه با محوریت شاعر، مکان درونی و کنش احساسی آن.

۴. تکرار فعل «أحبها» در قصیده أحبها

أُحِبُّهَا، أُحِبُّ عَيْنَيْهَا / أُحِبُّ شَعْرَهَا الْمِعْطَازَ / أُحِبُّ وَجْهَهَا الصَّغِيرَ كُلَّمَا اسْتَدَارَ / أُحِبُّ صَوْتَهَا الْحَزِينَ الدَّافِيَّ الْمَنْهَارَ يَفْتَحُ فِي الظُّلْمَةِ شُبَّاناً / وَيَهْمِي فِي الضُّحَى أَمْطَارَ / أُحِبُّهَا حُبَّ الْفَرَاشَاتِ لِحَقْلِ الْوَرُودِ وَالْأَنْوَارِ / أُحِبُّهَا، يَا فَجْرَ أَيَّامِي / وَيَا عِرَائِسَ الْبِحَارِ / وَ ياصديقاتي وداعاً قَلِقَ الْأَسْفَارِ / وَ حَسْرَةَ الْخَرِيفِ فِي الْقَفَارِ / تَهْيَبُ بِي: تَعَالِ لَا تَخْشَ لِهَيْبِ النَّارِ / أُحِبُّهَا وَ أَنْهَارَ فِي قَلْبِي جِدَارُ الثَّلْجِ / وَ أَنْسَابَ دَمِ النَّهَارِ.

در این قصیده شاعر فعل «أحب» را ۹ بار با تصویرهای مختلف تکرار کرده است، به گونه‌ای که ابتدا فعل «أحبها» را به صورت مجرد در عنوان و ابتدای قصیده ذکر می‌کند، سپس به تفصیل آن می‌پردازد. بدین ترتیب بیان می‌دارد که چشمانش را دوست می‌دارم، موهای خوشبویش را دوست می‌دارم، صورت کوچکش را دوست می‌دارم و صدای غمگین و گرم و ویرانش را دوست می‌دارم. سپس، به تشبیه این عشق می‌پردازد و بیان می‌دارد که او را همچون عشق پروانه‌ها به دشت پر از گل و شکوفه دوست می‌دارم. در ادامه، تأثیر این عشق را در خود ذکر می‌کند که او را

دوست می‌دارم، در حالی که در دلم دیوار منجمد و افسرده فرو می‌ریزد و خون و گرمای روز و زندگی جاری می‌شود. همان‌طور که روشن است، تأکید و توسع معنایی سبب تکرار در این قصیده شده است.

ویژگی‌های رمانتیکی این فعل: ذهنی بودن همراه با محوریت و فرمانروایی (من) شاعر، بیان آزاد و بی‌قیدوبند احساسات و عشق شاعر، درونی بودن مکان فعل، کنش درونی و احساسی فعل.

افعال عینی و خارجی رمانتیسم

۱. تکرار فعل «لا تسألنی» و افعال نهی در قصیدهٔ «إلی ساهرة»

علی شاطی الوهم نامی / كمقبرة في التلوج / ولا تسألنی عن غرامی / ولا تسألنی من یعوج / علی طلل دارس / أعاد الحبيب؟ / ففي صمتة العابس / أمان تذب / قبیل الغروب

.....
و لا تسألنی التجم عن موطنی / فما موطنی غیر هذا الفضاء

.....
و لا تسألنی من أنا / ولا تندب حظنا / فما أنا إلا كهذا الجناح / جناح شريد / بكته علی الأرض حتی الجراح / يسأل عن غد / ویروی الی اللیل حُلماً جدید / ویصغی وما من معید / لهذا النشید.

در این قصیده، شاعر معشوق خود را مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد تا، در راه عشق، خود را دچار رنج و عذاب نکند؛ رنج و عذابی که خود شاعر در راه معشوق دچار آن شده است. همان‌طوری که از عنوان قصیده «إلی ساهرة» پدیدار است؛ چراکه شاعر این عنوان را به‌صورت نمادین برای بیان مفهوم مورد نظر به کار گرفته است. «ساهرة» یعنی کسی که شب را بیدار مانده و بی‌خوابی کشیده است. همین بی‌خوابی کشیدن به‌خاطر عشق نمادی است که نشان‌دهندهٔ سختی و مشقت در این

راه است؛ مفهومی که از عبارتهایی چون (لا تذکرینی و لا تحزنی، لا تندبی حظنا، لا تجهشی فی البكاء، و إما استفاق هواك الصبی فلا ترضعیه دموع الوداع و لا تفجیعه کحبی المضاع) نمایان است. در نتیجه شاعر با تکرار فعل «لا تسألنی» و همراه ساختن آن با معانی و مفعول‌های مختلف و نیز تکرار افعال نهی بر این مفهوم تأکید می‌کند.

ویژگی‌های رمانتیکی این افعال: خاص بودن افعال با محوریت شاعر و معشوق او، لامکان، کنش رمانتیکی (عدم سوال و پرس‌وجو در مورد عاشق و عدم گریه در راه عشق).

۲. تکرار فعل «حدّث» در قصیده المخطوبة

یه یا خاتم الخُطوبَةِ حدّث / ذلك الطیف عن غرامی الحزین / حدّث النجم رُبما تتلاقی / فی سنا النجم عینهُ بعیونی / حدّث الذکریات فهی عزائی / و بها صبوتی و فتونی / حدّث الفجر، قُل له إن لیلی / أطفأت شعله الصبا فی یمینی / حدّث العاشقین طراً بانی / لم أدعها و لم أکن بالخؤون.

این قصیده ابتدا، با سخنان معشوقه و تصاویری که او در وصف عاشق ترسیم می‌کند، آغاز می‌شود. او بیان می‌دارد که گویی عاشق عشق دیرینه‌اش را فراموش کرده است، به همین دلیل معشوق از هم‌نشین خود می‌خواهد که حتی نام او را به زبان نیاورد تا مبادا نسیم صبحگاهی سخنان آنان را بشنود و به گوش عاشق برساند و او را به یاد عشق گذشته بیندازد. وی همچنین بیان می‌دارد اگرچه عاشق او را رها ساخته و درگیر عشق دیگری شده است، اما او از این وضع گله‌ای ندارد؛ زیرا خود را همچون روزنه‌ای می‌داند که عاشق از خلال آن با روشنایی و نور عشق آشنا شده است. در مقطع دوم، عاشق پاسخ می‌دهد و با مورد خطاب قرار دادن و گواه گرفتن حلقه ازدواج از او می‌خواهد که به تمام عالم - که در عبارتهایی چون (حدّث ذلك الطیف، حدّث النجم، حدّث الذکریات، حدّث الفجر، حذب العاشقین) خلاصه می‌شود - اعلام کند که او به

این عشق خود خیانت نکرده است، بلکه این معشوق (لیلی) بود که شعله عشق را در دستانش خاموش ساخت. تأکید و تقریر معنا در ذهن مخاطب، سبب تکرار فعل «حدّث» شده است، به طوری که شاعر با تکرار این فعل و ذکر تصاویر و کلمات مختلف چون طیف، نجم، ذکریات، فجر و... قصد دارد به همه تأکید کند: «او به عشق خود خیانت نکرده، بلکه این معشوق بود که او را رها ساخته است».

ویژگی‌های رمانتیکی فعل: خاص بودن همراه با محوریت شاعر، لامکان، کنش رمانتیکی (بیان عدم خیانت شاعر در عشق).

۳. تکرار فعل «ماتت» در قصیده مصرع بلبل

يَا لِهَوَى مَاتت أَعَارِبُهُ / وَ لَمْ يَزَلْ فِي غُصْنِهِ بَرَعَمًا / «ماتت» وَ لَمَّا يَبْكِهِ طَائِرٌ / وَ هُوَ
الذِي كَانَ لَهَا مُلْهِمًا / مَاتت وَ كَفَّ الحُبُّ فِي سِجْنِهِ

ماتت عهدُ الهوى من غير ما حسرة
يا ذكرياتى هنا خطى هنا قبرة

در این قصیده، شاعر پس از تشبیه خود به بلبل گرفتار در قفس بیان می‌کند که وی این اسارت را شیرین می‌پندارد و بدون هیچ اعتراضی تسلیم این عشق است؛ چراکه قیدوبندهای عشق انسان‌های در خواب و غافل را به خود می‌آورد. در ادامه در مقطع سوم شاعر بر مرگ این عشق حسرت می‌خورد و بیان می‌دارد که این عشق او که غنچه‌ای بیش نبوده از بین رفته است، در حالی که هیچ پرنده‌ای (استعاره از عاشق) برای آن مویه‌وزاری نکرده است. شاعر با تکرار فعل «ماتت» بر عشق از دست‌رفته حسرت می‌خورد و غم و اندوه خود را ابراز می‌کند.

ویژگی‌های رمانتیکی فعل: خاص بودن فعل با محوریت شاعر و عشق، لامکان، کنش رمانتیکی (مرگ عشق و پیمان‌های آن).

۴. تکرار دو فعل «أعدنى» و «أغنى» در قصیده أعدنى إلى وطنى

إلهى أعدنى / إلى وطنى، عندليباً / على جُنج غيمَةٍ / على ضوءِ نجمةٍ / أعدنى فُلةً /
 ترُفُّ على صدرِ نَبَعٍ وَ تَلَّةٍ / أغنى الشروق / أغنى المغيب / أغنى الربيع / أذوبُ في
 حُرقاتى الصقيع / صقيع ربيعِ بلادى، الحزين / ربيعُ الإله السجين / أغنى البراعم / أنا
 لستُ حالماً / إلهى أعدنى / إلى وطنى، عندليباً.

در این قصیده شاعر دست به دعا شده و از خداوند طلب می‌کند که او را به وطنش بازگرداند. وی بر این معنا با تکرار فعل «أعدنى» تأکید می‌کند، به طوری که آن را ۳ بار با دو تصویر متفاوت ذکر می‌کند. بدین ترتیب که ابتدا از خداوند می‌خواهد تا او را همچون (عندلیبی) بر بال ابری به وطن بازگرداند. دیگر بار از او می‌خواهد تا او را همچون یک ناجی افسانه‌ای قرار دهد که بتواند با تلاش‌های خود وطنش را، از یخبندان (جمود و مرگ فرهنگی) که آن را فرا گرفته است، رهایی بخشد. همان‌گونه که از عبارت‌هایی چون (أذوبُ في حُرقاتى الصقيع / صقيع ربيعِ بلادى الحزين) چنین برمی‌آید. همچنین، شاعر فعل (أغنى) را نیز با هدف توسع و بیان معنای جدید ذکر می‌کند، به گونه‌ای که هر بار با آن واژه جدید و معنای جدیدی را ذکر می‌کند.

ویژگی‌های رماتیکی فعل: خاص بودن فعل با محوریت شاعر، مکان و وطن، کنش رماتیکی (آواز خواندن شاعر در طبیعت و بازگشت او به صورت بلبل به وطن).

افعال درونی و ذهنی رئالیسم با بُعد اجتماعی

۱. تکرار فعل «لاستطيع» در قصیده عشاق في المنفى

و أنا ... / و أنت؟ / أنا وحيدٌ / كقطرة المَطَرِ العقيم، أنا وحيدٌ! / وَ هَوْلَاءُ؟ مِثْلِي وَمِثْلِكَ
 يَحْفَرُونَ قُبُورَهُمْ عَبْرَ الجدارِ مِثْلِي و مثلكَ مُقْبِلُونَ على انتظارٍ / مَنْ لا يَعُودُ / وَ أنا وَ
 أنت وَ هَوْلَاءُ / كالعنزة الجرباءِ أفردها القَطِيعُ / لا نَسْتَطِيعُ...

وَ إذا اسْتَطَعْنَا، فالجداؤُ / وَ التَّافِهُونَ يَقْفُونَ بالمرصادِ، كالسدِ المنيعِ / لا
 نستطيعُ... / أنا و أنت و هَوْلَاءُ.

در این قصیده شاعر به وصف وضعیت خود و دیگر هم وطنانش، که در تبعید به سر می‌برند، می‌پردازد. وی بیان می‌دارد که در تبعید، همچون قطره باران سَتْرُونَ، همچون بز پیسی گرفته که از گله دور مانده در تبعید تنها مانده‌اند. این در حالی است که انسان‌های پست و فرومایه در وطن شرافت و وجدان خود را به حراج گذاشته‌اند. شاعر در این مقطع فعل «لا نستطيع» را همراه با سه نقطه بعد از آن ذکر می‌کند که این سه نقطه می‌تواند سخنان و رازهای مگوی شاعر باشد. همچنین، این فعل را دوبار با هدف تأکید تکرار می‌کند تا بر ناتوانی خود و هم‌قطاران خود در تحقق رهایی وطن تأکید کند؛ زیرا خائنان به وطن همچون سدی محکم در مقابل تلاش‌های آنها ایستاده‌اند؛ انسان‌های فرومایه‌ای که بقایای وجدان خود را به‌ناچیز فروخته‌اند. وی وجدان آنها را به بقایای باز شکاری کوچکی تشبیه می‌کند که آن را به حراج گذاشته‌اند.

ویژگی‌های رئالیستی فعل: محوریت اجتماع (أنا وأنت و هؤلاء)، مکان تبعیدگاه، عام بودن فعل.

۲. تکرار فعل «لا تخجل» در قصیده صیحات الفقراء

لا تخجل! / لا تخجل! / یا حُبى الأول / یا صبیحةً اطلقها طائرٌ / فی لیل المنفی وهو یَموتُ / لِمَ أنت حزینٌ؟

صیحاتُ الفقراء / فقراءُ بلادی / فی بابِ القیصر / فی الفجرِ الأحمرِ / کالصخرة، کالقطرة / فی بحرِ الثورة / تقحمُ / التاریخُ یا حُبى الأول / لا تخجل! / سنواتُ المنفی / علمت الطائرُ / وهو یموتُ / أن یبقی حراً / ینتظرُ الفجرَ یا حُبى الأول / یا ولدی / لا تخجل. در این قصیده، شاعر پسر خود را مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که غمگین نباشد؛ زیرا روزهای خوش در راه است و جهان باری دیگر به یاری مبارزان و انقلابیون تولدی دوباره می‌یابد. آرزویی که در عبارت‌هایی چون (لم أنت حزین؟ / سنوات التكوين / سنوات الفرحة و العالم یولد فی لمحّة فی وجه اییک الشاعر الثائر)

به‌وضوح نمایان است. در ادامه تلاش‌های هم‌وطنان بینوای شاعر همچون قطره‌ای در دریای خروشان انقلاب تاریخ را به نام خود رقم می‌زند. پس شاعر از او می‌خواهد که از این تلاش‌ها شرمگین نباشد؛ چراکه سال‌های تبعید، به تمام انقلابیون تبعید شده، آموخت که آزادگی خود را حفظ کنند و در انتظار سپیده‌دم پیروزی باشند. شاعر از رهگذر فرزند خود تمامی فرزندان وطن را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنها را تشویق می‌کند که زیر بار ذلت نروند و آزادگی خود را حفظ کنند.

ویژگی‌های رئالیستی فعل: محوریت اجتماع و واقع، خاص بودن به ظاهر فعل؛ زیرا شاعر در اصل مجموعه انقلابیون را مورد خطاب قرار می‌دهد، کنش اجتماعی، مکان عراق.

۳. تکرار فعل «أری» در قصیده موت‌المتنبی مقطع (اللجنة الثانية)

أرى بعين الغيب يا حضارة السقوط والضياع / حوافر الخيول والضباع / تأكل هذى
الجيف اللعينة / تكتسح المدينة / تبيد نسل العار والهزيمة / وصانعي الجريمة / أرى
على قبائك الغربان / تحجب وجه الشمس بالنعيب، يا جارية السلطان / أرى
الخفافيش على نوافذ البيوت والحيطان / والنيل والفئران / تعث في خزائن الخليفة
السكران / تمرح في سريره البارد، فوق جفنه التعسان / تقرض شعرة لحيمة المهرج
السامان / تنام في عمائم العبيد والخصيان / أرى على أبوابك الطوفان / يكتسح
الساسة والتجار / أرى خيول النار / تدمر الأبراج.

در این مقطع از قصیده، شاعر به خرده‌گیری از فرهنگ و تمدنی که آن را فرهنگ سقوط و نابودی می‌داند، می‌پردازد. وی با تکرار فعل (أرى: رؤیت قلبی) نسل کنونی امت عرب را نسل عار و شکست و سردمداران این امت را سردمدارانی عیاش و ضعیف می‌داند که بیگانگان (ضباع و غربان) آنها را نابود می‌کنند و برای آنها ظلمت و تاریکی به ارمغان می‌آورند. او روزی را می‌بیند که تاریکی و ستم بر این جامعه

حکم فرما می‌شود: (أرى على قبابك الغربان / تحجب وجه الشمس بالنعيب)؛ روزی را می‌بیند که همه ثروت‌های این جامعه از سوی غارتگران به یغما می‌رود: (أرى الخفافيش على نوافذ البيوت والحيطان والنمل والفئران تعبث في خزائن الخليفة السكران). در این مقطع (الضباع) نماد غارتگران و (الغربان) نماد اشغالگران و (الخفافيش، النمل و الفئران) نماد غارتگران و (الخليفة السكران) نماد سردمداران خوش گذران و بی‌مسئولیت است. شاعر با تکرار فعل «أرى» و خلق تصاویر مختلف بعد از آن نه تنها به ترسیم زوایای متعدد این شکست می‌پردازد، بلکه سعی دارد با این تکرار به توییح و سرزنش جامعه خود، که در برابر ظلم سکوت اختیار کرده است، مبادرت ورزد.

ویژگی‌های این فعل: عام بودن و اینکه کل جامعه را فرا می‌گیرد، محوریت اجتماع، مکان عالم عربی، کنش رئالیستی (گوشزد کردن و توییح کردن).

افعال عینی رئالیسم

۱. تکرار فعل «نامی» در قصیده صخرة الأموات

نامی! / وَقَبْلَ شَعْرَهَا / أختاه نامی! / بَيْنِي وَبَيْنَ سَمَائِكَ الزَّرْقَاءُ / أَجْبَالُ مِنَ النُّؤْسَاءِ /
 نامی! / صُمِّمَ عَنِ الدُّنْيَا بِلَوْنِ الخَوْفِ / كَانُوا الرُّغَامَ / عَاشُوا عَلَى الأَوْهَامِ / كَالدِّيدَانِ
 تنهش في الرَّمَادِ / أَحْيَاؤُهُمْ مَوْتِي / وَمَوْتَاهُمْ خَفَافِشُ الرَّمَادِ
 لم يعرفوا نور السماء / وَ لَا تَبَارِيحَ الغرامِ / أَمَا نَسَاؤُهُمْ / فَجَرْدَانُ تَعِيشُ عَلَى الهوامِ /
 بيني وبين سمائك الزرقاء
 صخرتهم فنامي.

در این قصیده، بار دیگر شاعر به مردم و اجتماع خرده می‌گیرد. انسان‌هایی که نسلی از تبار بدبختی هستند، نسبت به امور دنیا جاهل و در ترس و توهم زندگی می‌کنند؛ نسلی که زندگان آنان مردگانی متحرک و مردگان آنان همچون خفاش‌هایی

در تاریکی هستند که بویی از عشق نبرده‌اند. به‌همین دلیل، شاعر با تکرار فعل «نامی» در ظاهر از مخاطب خود می‌خواهد که نسبت به این اجتماع بی‌تفاوت باشد، اما کمی دقت در ژرف ساختار و محتوا می‌توان پی برد که شاعر نقطه مقابل این معنا را اراده کرده است و همچون جواهری، در قصیده «نامی»، که با تکرار این فعل بیش از ۵۰ بار قیام مردم را اراده کرده، شاعر ما نیز با تکرار این فعل رهایی مردم از این وضع را قصد کرده است.

ویژگی‌های رئالیستی این فعل: عینی و عام بودن با محوریت واقع‌گرایی و اجتماع، مکان عراق، کنش رئالیستی (بی‌توجه بودن به اوضاع اجتماع و یا قیام کردن علیه این وضع).

۲. تکرار «أنا لا أزال أغنى» و «أغنى أنا لا أزال» و «أنا لا أزال هنا أغنى» در قصیده قصائد إلی یافا مقطع سوم

يا إخوتی الْمُتَحَرِّقِينَ إلی غدٍ، تَحْتَ النُّجُومِ / يا صانعی الحُبِّ العَظِيمِ / وَالْحَبْرَ وَالْأَرْهَازَ / يا أَطْفَالَ يافا الهائِمِينَ
على تُخُومِ وطنی الکبیرِ / أنا لا أزالُ، هنا، أُغْنِي الشَّمْسَ محترقاً / أُغْنِي لا أزالُ / وَ
الرِّيحَ وَالْعَصْفُورَ فِي بیتی یُنَازِعُ، وَالظَّلَالَ / سوداءُ تَحْجُبُ عنْكمو وَجْهی المَخْضَبَ
بالدماءِ / وَلیلِ إِسْرَائِيلَ وَهُوَ یَقِي حَقْدًا وَانْتِقامَ / وَعاهِرینَ ومخبرینَ / أنا لا أزالُ، هُنا
أُغْنِي الشَّمْسَ، فِي صمْتٍ وِ إصرارِ حَزینٍ / یا إِخوتی الْمُتَحَرِّقِينَ إلی النِّضالِ.

در این مقطع، شاعر فلسطینیان آواره را مورد خطاب قرار می‌دهد و با تکرار فعل «لا أزال أغنى» بر مبارزه خود برای رهایی فلسطینیان، که آنها را هم‌وطنان خود در (عالم عربی: وطنی الکبیر) می‌داند، تأکید می‌کند. همچنین، به مجاهدت‌های دیگر مبارزان اشاره می‌کند (والریح والعصفور في بيتي ينازع). وی به خفقانی، که سلطه‌های مستبد کشورهای عربی و اسرائیل ایجاد کرده‌اند، نیز اشاره می‌کند (والظلال سوداء، تحجب عنكمو وجهی المخضب بالدماء / ولیل اسرائیل و هو یقی حقدًا وانتقام

وعاهرین ومخبرین)، اما شاعر با بیان سه‌باره فعل «أنا لا أزال هنا أغنى الشمس، في صمت وإصرار حزين» بر مبارزه مخفیانه خود تأکید می‌کند. در عین حال، رگه‌هایی از مارکسیسم را نیز در این مقطع شاهد هستیم (یا صانعی الحب العظيم والخبز). ویژگی‌های رئالیستی فعل: در ظاهر خاص، اما در اصل عام با محوریت اجتماع و واقع، مکان عالم عربی، کنش رئالیستی (مبارزه کردن).

۳. تکرار «یاسمهم غنیت غنوا للسلاح»، «یاسمهم غنیت غنوا للصباح» در قصیده أغنية إنتصار إلی مراکش و تونس و الجزائر

یاسم أبطالک، یا خیمه أفریقیا - النجوم / والأقاحی والکروم والعصافیر الصغیرة / والهوی والأرض والإنسان - یا شمس الظهیرة / یاسمهم غنیت، غنوا للسلاح / للعیون المغربیه / فی الخیام العربیه / تتحدی الموت فی «أورانس» فی لیل الجراح / یاسمهم غنیت، غنوا للصباح

یا دماً سأل على آيات «ایلوار» الحبیبة / شاعر الحب الذی بالأمس غنّی فی الطریق / للنجوم الزرق، للأطفال: «ایلوار صدیقی» / إنهم أعداءه الفاشست عادوا من جدید / یصنعون اللیل والمأساة فی الفجر الولید / لك یا نافذة فی لیل أفریقیا «السلام» / ولك النصر وللفاشست «الموت الزؤام».

همان‌طور که از عنوان قصیده نمایان است، شاعر کشورهای مراکش، تونس و الجزائر را مورد خطاب قرار می‌دهد. وی در ابتدای قصیده بیان می‌کند که به نام قهرمانان این کشورها آواز سر داده (شعر سروده و یا به مبارزه برخاسته)، سپس به تدریج نوع نگرش خود را گسترش می‌دهد. اشاره می‌کند که به نام ستارگان، گل‌های بابونه، تاکستان و گنجشک‌های کوچک آن (بر بهار که نماد سرسبزی و زندگی دوباره است، دلالت دارد) و به نام عشق، بشریت و انسان آواز سرداده است، اما قهرمانان ای خیمه أفریقا برای سلاح (کنایه از آماده مبارزه و پیکار شدن) برای دفاع

از چشمان مغربی در خیمه‌های عربی (مجاز از زنان و حریم مغربی و عربی) آواز سر داده‌اند (برای سلاح آواز سر دادن می‌تواند کنایه از آماده مبارزه شدن باشد). همچنین، شاعر دوباره بیان می‌کند که من به نام آنها آواز سر داده‌ام و آنها نیز برای صبح آواز سر داده‌اند (کنایه از اینکه برای پیروزی و روشنایی تلاش کردند). سپس، او دشمنان را به فاشیسم تشبیه کرده است و برای آنها آرزوی مرگ می‌کند. حال آنکه برای مراکش، تونس و الجزائر آرزوی پیروزی می‌کند.

ویژگی‌های رئالیستی این فعل: عینی و عام بودن فعل، محوریت واقع و اجتماع، مکان آفریقا، کنش رئالیستی (مبارزه و پیروزی).

در خاتمه با توجه به ویژگی‌هایی که برای افعال رماتیک و رئالیستی بیان شد، جدولی از نسبت‌های مختلف ویژگی‌های این افعال در کل دیوان ارائه می‌شود که با توجه به آن می‌توان تأثیرات دو مکتب رماتیک و رئالیسم را بر شاعر مشاهده کرد:

عام	خاص	غیرکنشی	کنشی	
-	۲۱	۱۳	۸	افعال رماتیک ذهنی
۸	۶ که ۳ فعل آن بر مجموعه خاصی اطلاق شده	۵	۹	افعال رئالیسم ذهنی
-	۲۹	۲	۲۷ با کنش رماتیک	افعال رماتیک عینی
۵۶	۷ با محوریت اجتماع	-	۶۳	افعال رئالیسم عینی

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، افعال رماتیک ذهنی با ۲۱ فعل تکرار شده بالاترین نسبت افعال ذهنی تکرار شده در دیوان را به خود اختصاص می‌دهد، در حالی که افعال ذهنی رئالیستی ۱۴ فعل است که این امر را باید نتیجه

تأثیر مکتب رمانتیسم دانست؛ زیرا این مکتب غالباً مکتبی ذاتی و درونی است. در نقطه مقابل این امر، افعال عینی است که افعال رئالیسم با ۶۳ فعل تکرار شده بیش‌ترین نسبت افعال تکرار شده را به خود اختصاص می‌دهند، حال آنکه این عدد در افعال رمانتیک به ۲۹ می‌رسد که این امر را نیز می‌توان ناشی از واقع‌گرایی و عینیت مکتب رئالیسم دانست.

دومین تأثیر این مکتب را می‌توان از خلال کنشی یا غیر کنشی بودن افعال مشاهده کرد. از آنجاکه مکتب رمانتیسم درون‌گرا و ذهنی است و افعال درونی انسان در مقایسه با افعال بیرونی آن با کنش کمتری همراه است، غالب افعال غیر کنشی را می‌توان در مکتب رمانتیسم مشاهده کرد، همان‌گونه که از جدول بالا نیز این‌گونه برمی‌آید. در مقابل با توجه به اینکه مکتب رئالیسم مکتبی عینی و واقع‌گراست و از آنجا که غالب افعال عینی و بیرونی انسان در مقایسه با افعال درونی آن دارای شدت کنش بیش‌تری است، باید غالب افعال این مکتب افعالی کنشی باشد، همان‌طور که از جدول بالا نیز این‌گونه برمی‌آید. بدین ترتیب، ۱۳ فعل از ۲۱ فعل رمانتیک ذهنی غیر کنشی است که اگر آنها را با ۲ فعل غیر کنشی رمانتیک عینی جمع ببندیم، این عدد به ۱۵ می‌رسد. این در حالی است که میان کل ۷۷ فعل رئالیسم فقط ۵ فعل غیر کنشی وجود دارد و بقیه همگی کنشی است. نکته دیگر اینکه کنش افعال رمانتیک غالباً مربوط به احساسات و عواطف شخصی فرد است، حال آنکه غالب کنش افعال رئالیستی مربوط به اجتماع و جامعه است که این را نیز باید از تأثیرات دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم به‌شمار آورد.

سومین تأثیر این دو مکتب بر افعال شاعر را می‌توان در ویژگی خاص یا عام بودن افعال مشاهده کرد. بدین ترتیب که تمام افعال رمانتیک چه ذهنی و چه عینی تماماً خاص است که این امر را نیز می‌توان ناشی از فردگرا بودن مکتب رمانتیسم دانست. حال آنکه از ۷۷ فعل رئالیست ۶۴ فعل آن عام و یا در ظاهر خاص و در اصل عام بوده و ۱۰ فعل آن خاص با محوریت اجتماع و بیان واقعیات اجتماعی است، در حالی که

افعال خاص رمانتیکی با محوریت فرد و بیان احساسات و عواطف فردی او همراه است. ویژگی بعدی مکان وقوع افعال است که نه تنها تأثیر این مکاتب را بر افعال آشکار می‌سازد، بلکه می‌توان آنها را علت رویکرد شاعر به این مکاتب دانست. مکان وقوع افعال رمانتیک در دیوان شاعر به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. مکان درونی؛ که غالب افعال ذهنی و گاهی عینی را دربرمی‌گیرد.
۲. لا مکانیت؛ یعنی شاعر مکان خاصی را برای آنها مشخص نکرده است که غالباً افعال عینی را دربرمی‌گیرد.
۳. طبیعت؛ در میان افعال رمانتیک تکرار شده به‌ندرت دیده می‌شود.
۴. تبعید؛ غربت و تبعید گاهی باعث شده تا شاعر به ذات خویش بازگردد و به بیان دردهایی پردازد که در نتیجه دوری از وطن متحمل شده است. علاوه بر آن، شکست شاعر در عشق را می‌توان از عوامل اساسی گرایش شاعر به مکتب رمانتیسم تلقی کرد. حال آنکه علت رویکرد شاعر به مکتب رئالیسم و مکان بروز افعال در قصایدش بسیار گسترده‌تر و براساس تأثیراتی است که از مکاتب سیاسی و اجتماعی عصر خود پذیرفته است. به طوری که می‌توان آن را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:
۱. وطن؛ گاهی مکان وقوع افعال رئالیستی عراق است و آن زمانی است که شاعر تحت تأثیر جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور خود به ترسیم وضعیت آن و ملت خودش می‌پردازد.
۲. عالم عربی؛ گاهی شاعر تحت تأثیر جریان‌های و اتفاقات جاری در عالم عربی و مرتبط به کشورش به ترسیم وضعیت موجود در کشورهای عربی می‌پردازد.
۳. شرق؛ گاهی شاعر تحت تأثیر اختلافات و کشمکش‌های کشورهای غربی با کشورهای عربی و شرقی، همچون مسئله فلسطین، شکست کشورهای عربی در ژوئن ۱۹۶۷ و... از وطن و عالم عربی فراتر می‌رود و به بیان علل شکست‌های شرق در برابر غرب و گذشته درخشان شرق در مقابل غرب می‌پردازد.

۴. کل جهان بشریت: گاهی شاعر زیر پرچم عشق به انسان و بشریت به بیان اخوت و برادری و برابری انسان‌ها می‌پردازد و گستره و مکان وقوع افعال خود را کل جهان بشریت قرار می‌دهد. این حس عبدالوهاب بیاتی حسی تاریخی است که می‌توان آن را متأثر از سیدجمال‌الدین اسدآبادی و یا محمد عبده دانست یا می‌توان آن را تفکری ایدئولوژیک به‌شمار آورد که متأثر از جامعه بی‌طبقه‌ای باشد که مارکسیسم نوید داده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی قصاید و نیز ویژگی‌های افعال تکرار شده در دو دوره رمانتیک و رئالیسم در شعر بیاتی، به این مهم رهنمود می‌شویم که تأثیر این دو مکتب، علاوه بر جنبه معنایی قصاید، جنبه لفظی آنها را نیز تحت الشعاع قرار داده و شاعر در هر دوره با توجه به ویژگی‌ها و قوانین خاص متعلق به آن دوره قصاید خود را سروده است، همان‌گونه که از مقصود اصلی قصاید و ویژگی‌های افعال تکرار شده چنین برمی‌آید. از نقطه نظر معنا و مضمون می‌بینیم که مضمون غالب اشعار دردمندی نسبت به عشق از دست‌رفته یا دوری از وطن است که این مضمون با مکتب رمانتیسم، که بر پایه عواطفی چون عشق و اندوه بنا شده است، هم‌خوانی دارد. از سویی دیگر، در دوره رئالیسم شاعر بیش‌تر اشعار خود را برای ترسیم واقعیت اجتماع و بیان مضامین اجتماعی سروده است. هرچند در آن رگه‌هایی از رمانتیک و بیان احساسات شاعر دیده می‌شود که آن نیز در راستای جامعه و موضوعات اجتماعی است. در مورد بعد لفظی اشعار نیز وضع این‌گونه است، بدین ترتیب که غالب افعال در دوره رمانتیسم ذهنی و غیر کنشی یا همراه با کنش رمانتیکی و خاص است که این ویژگی‌ها به‌ترتیب با ذاتی و درونی، عاطفی و احساساتی و فردگرا بودن مکتب رمانتیسم هم‌خوانی دارند. در مقابل می‌بینیم بیش‌تر افعال، در دوره رئالیسم عینی، عام و دارای کنشی اجتماعی و انقلابی است که این ویژگی‌ها نیز با

عینیت، واقع‌گرایی و اجتماع‌محوری مکتب رئالیسم هم‌خوانی دارند. از دیگر ویژگی‌های افعال، که به نحوی نشان‌دهنده تأثیرات این دو مکتب بر افعال و نیز رویکرد شاعر به این دو مکتب است، مکان بروز آنهاست، به طوری که مکان بروز این افعال در دوره رماتیک غالباً تبعید، طبیعت، درون و ذات شاعر و یا لامکانیت است که با مکتب رماتیسیم هم‌خوانی دارد. در مقابل، مکان بروز این افعال در دوره رئالیسم به چهار دسته جامعه عراق، کل جامعه عرب، شرق و کل جهان بشریت تقسیم می‌شود که با واقع‌گرایی و اجتماع‌محوری مکتب رئالیسم مطابقت دارد.

منابع

- ابن الأثیر، محمد بن نصرالله الشیبانی، (د.ت)، المثل السائر فی أدب الكاتب والشاعر، المحقق: احمد الحوفی و بدوی طبانة، القسم الثالث، القاهرة: مكتبة نهضة مصر.
- ابن رشيق القيرواني، (١٤٠١)، العمدة في محاسن الشعر وآدابه ونقده، المحقق: محمد محيى الدين عبدالحميد، المجلد الأول، ط ٥، بيروت: دار الجيل.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زكريا القزويني، (د.ت)، الصحابي في فقه اللغة ومسائلها وسنن العرب في كلامها، المحقق: عمر فاروق الطباع، ط ١، بيروت: مكتبة المعارف.
- اشرف‌زاده، (١٣٨١)، «رماتيسيم، اصول و نفوذ آن در شعر معاصر ايران»، نشریه ادبيات و علوم انسانی مشهد، سال ٣٥، شماره ١.
- الأيوبي، ياسين، (١٩٨٤)، مذاهب الأدب معالم وانعكاسات، ط ٢، بيروت: دارالعلم للملایين.
- باوره، موریس، (١٣٩٠)، «تخیل رماتیک»، مترجم: فرشید شیرازیان، ارغنون، شماره ٢.
- بندرریگی، محمد، (١٣٨٩)، ترجمه فرهنگ المعجم الوسيط، جلد دوم، ج ٣، انتشارات اسلامی.
- البياتي، عبدالوهاب، (١٩٩٥)، الأعمال الكاملة، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، عمان: دارالفارس للنشر والتوزيع.
- ترحینی، فایز، (١٩٩٥)، الأدب، انواع ومذاهب، ط ١، بيروت: دارالتخیل.
- ثروت، منصور، «مکتب رماتيسيم»، بیک نور، سال اول، شماره ٢.
- الحاوی، ایلیا، خلیل مطران طليعة الشعراء المحدثين، المجلد الأول، ط ٢، بيروت: دارالكتاب اللبناني.

- دکتر میترا، (۱۳۴۹)، رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، چ ۴، تهران: انتشارات نیل.
- ربابعة، موسى، (۱۹۸۸)، التكرار في الشعر الجاهلي دراسة اسلوبية، الأردن، جامعة اليرموك، مؤتمر النقد الأدبي.
- سيدحسيني، رضا، (۱۳۸۱)، مكتب‌های ادبی، جلد اول، چ ۱۲، مؤسسه انتشارات نگاه نو.
- گرانت، ديميان، (۱۳۵۷)، رئالیسم، مترجم: حسن افشار، چ ۱، تهران: نشر مرکز.
- الملائكة، نازك، (۱۹۶۷)، قضايا الشعر المعاصر، ط ۳، منشورات مكتبة النهضة.
- مندور، محمد، (۱۹۹۵)، في الأدب والنقد، القاهرة: نهضة مصر للطباعة والنشر.
- نوری، نظام‌الدین، (۱۳۸۵)، مكتب‌ها، سبک‌ها و جنبش‌های ادبی و هنری جهان تا پایان قرن بیستم، چ ۴، نشر زهره.
- هلال، ماهر مهدي، جرس الألفاظ في البحث البلاغي والنقدي، بغداد: دار الرشيد للنشر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی